




# دست‌فروشی از لنز دست‌فروشان تبریز

گزارش میدانی از  
چالش‌ها و راهکارها

شماره: ۳۸-۶/م/پ | تاریخ: ۱۴۰۵/۲/۱۳

گزارش ۱۷-۵-۲۲۲

-  RCTABRIZ . IR
-  RCTABRIZ\_IR
-  RCTABRIZ
-  RCTABRIZ
-  RCTABRIZ
-  RCTABRIZ
-  RCTABRIZ

متن (PDF) از طریق سایت مرکز به نشانی [rctabriz.ir](http://rctabriz.ir) قابل دریافت است.  
آدرس: بزرگراه پاسداران، ورودی فرشته جنوبی، ساختمان شورا، ضلع شرقی طبقه اول

# ایستادگانه



عنوان اصلی: دست‌فروشی از لنز دست‌فروشان تبریز

عنوان فرعی: گزارش میدانی از چالش‌ها و راهکارها

پدیده‌آور: سعید مبین شهیر

ناظر: معاونت پژوهشی مرکز

نوع و شماره گزارش: یادداشت (۱۷-۵-۲۲۲)

شماره: ۳۸-۶/م/پ | تاریخ: ۱۴۰۵/۲/۱۳

متن (PDF) از طریق سایت مرکز قابل دریافت است

دریافت نظر و پیشنهاد: [rctc@tabriz.ir](mailto:rctc@tabriz.ir) | ۰۴۱-۴۱۵۱۰۴۱۲

آدرس: بزرگراه پاسداران، ورودی فرشته جنوبی، ساختمان شورا، ضلع شرقی طبقه اول



# دست‌فروشی از لنز دست‌فروشان تبریز

## گزارش میدانی از چالش‌ها و راهکارها

شماره: ۳۸-۶/م/پ

تاریخ: ۱۴۰۵/۲/۱۳

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز پژوهش‌های شورای شهر تبریز است.  
متن (PDF) از طریق سایت مرکز به نشانی [rctabriz.ir](http://rctabriz.ir) قابل دریافت است.  
آدرس: بزرگراه پاسداران، ورودی فرشته جنوبی، ساختمان شورا، ضلع شرقی طبقه اول

## چکیده

در بستر تشدید بحران‌های اقتصادی در سال‌های اخیر، دست‌فروشی به عنوان یکی از اجزای اصلی ساختار اشتغال شهری، به‌ویژه در شهرهای بزرگی چون تهران، مشهد و تبریز، مورد توجه قرار گرفته است. هدف گزارش میدانی حاضر، واکاوی روایت‌های دست‌فروشان تبریز با توجه به مشکلات، مزایا و راهکارها با رویکردی جامعه‌شناختی و مضمون‌یابی ۵۷ پاسخ از دست‌فروشان بوده است. زمینه تحقیق مبتنی بر افزایش نقش مشاغل غیررسمی و پیامدهای سیاست‌های حمایتی ناکارآمد در حوزه شهری است که مضاف بر فشار بیکاری، تورم، نبود بیمه و فقدان جایگاه اجتماعی، شهروندان را به سمت شغل‌های جایگزین سوق می‌دهد و در این جایگاه جدید نیز مشکلات بازتولید می‌شود. یافته‌ها در چهار محور اصلی نگاه به دست‌فروشی، مشکلات، راهکارها و مزایای دست‌فروشی نشان می‌دهد اکثریت پاسخ‌گویان، تجربه دست‌فروشی را در تلاقی دوگانگی اجبار اقتصادی و رضایت نسبی تحلیل می‌کنند؛ چنان‌که فشار ساختارهای کلان و نبود حمایت‌های شهری، بار عمده مشکلات آنان را شکل می‌دهد که از جمله مشکلات می‌توان به عدم ساماندهی شدن، فقدان شان اجتماعی، رفتار نامناسب مغازه داران و خریداران، استرس، عدم داشتن بیمه و... اشاره کرد. راهکارهای پیشنهادی نیز مبتنی بر مطالبه ساختارمند ساماندهی، تخصیص مکان ثابت و حمایت‌های بیمه‌ای است. نتیجه نهایی بیانگر آن است که تحول پایدار وضعیت دست‌فروشان، تنها از مسیر اصلاح سیاست‌گذاری‌های شهری، بازتعریف حمایت‌های رفاهی و نه طرد این پدیده اجتماعی، امکان‌پذیر خواهد بود.

**کلمات کلیدی:** اقتصاد غیررسمی، دست‌فروشی، دست‌فروش.

## بیان مسئله

در قرن بیست‌ویکم و با شدت گرفتن بحران‌های اقتصادی، دست‌فروشی در شهرهای بزرگ کشورمان، از جمله شهر تبریز، نه صرفاً یک پدیده بی‌اهمیت و حاشیه‌ای، بلکه به بخشی از ساختار اشتغال شهری بدل شده است. این واقعیت از چشم‌انداز جامعه‌شناسی، بازتابی از تعامل ساختارهای کلانی چون اقتصاد، سیاست و فرهنگ با مکانیزم‌های خرد و زیسته شهروندان است؛ جایی‌که فشارهای اقتصادی و ناکارآمدی ساختارهای حمایت‌گر، افراد را به سمت شیوه‌هایی از اشتغال غیررسمی سوق می‌دهد که اغلب با برچسب شغل کاذب یا مشاغل اضطراری شناخته می‌شوند. اما همین دست‌فروشی، علی‌رغم تحمیل‌های ساختاری، در تجربه زیسته برخی از دست‌فروشان با رضایت نسبی، حس ارزشمندی و گاه آزادی همراه می‌شود؛ دوگانگی‌ای که بطن گزارش حاضر را شکل می‌دهد. این گزارش بر اساس تحلیل مضمون، از داده‌های حاصل از ۵۷ پاسخ دست‌فروشان شهر تبریز حول محور نگاه به دست‌فروشی، مشکلات، راهکارها و مزایای این کار، گردآوری شده است.

## دوگانه اضطرار و انتخاب؛ دست‌فروشی میان اجبار و

### رضایت

مروری بر روایت‌های دست‌فروشان تبریز نشان می‌دهد که تجربه اشتغال در این حوزه، در تلاقی دو محور اصلی شکل می‌گیرد: گاه از سر اجبار اقتصادی و نبود فرصت‌های دیگر، و گاه با رضایت نسبی به واسطه برخی ویژگی‌های مطلوب دست‌فروشی. تعداد از دست‌فروشان، ورود به دست‌فروشی را «چاره‌دیگر نداشتن» و یا «شغلی از روی اجبار» توصیف می‌کنند. فشارهای ساختاری ناشی از بیکاری، افزایش تورم، کمبود سرمایه و فقدان حمایت‌های بیمه‌ای آنان را به این مسیر سوق داده است؛ به‌ویژه روایت هنرمندی که بیان داشته «به دلیل کمبود سرمایه به دست‌فروشی مشغولم».

برچسب‌گذاری منفی شغلی که موجب تضعیف شرافت حرفه‌ای و آسیب‌پذیری روانی دست‌فروشان می‌گردد که آن را می‌توان با نظریه داغ ننگ اروینگ گافمن توضیح داد. بر اساس این نظریه، انگ اجتماعی می‌تواند باعث طرد اجتماعی و خدشه دار شدن هویت افراد شود.

### **ب. اقتصاد سیاسی دست‌فروشی**

افزایش قیمت‌ها، تغییرات تورم و نبود درآمد پایدار، بارها در روایت‌ها دیده می‌شود: «درآمد کم»، «کار و درآمد کمی دارد»، «درآمد کفاف نمی‌دهد». این مسئله بازتاب شکست نظام توزیع ثروت و ناکارآمدی سیاست‌های حمایتی در سطح کلان است. تلاطم قیمت‌ها، دست‌فروشان را در موقعیتی ناامن قرار می‌دهد و باعث شکنندگی مالی‌شان می‌شود.

### **ج. مشکلات تجربه زیسته و کیفیت زندگی**

مواجهه با سرمای شدید، باران، بیماری و آسیب‌های جسمی در روایاتی چون «سر و کله زدن با مشتری»، «کار با بیماری»، «سختی جسمانی»، «کار با معلولیت»، همه نمونه‌هایی از چالش‌هایی‌اند که کیفیت زندگی روزمره آنان را تهدید می‌کند. نبود بیمه و حمایت‌های رفاهی، آسیب‌پذیری را دوچندان می‌سازد. همچنین، احساس «استرس»، «امید نداشتن به آینده» و «انگیزه نداشتن»، مصادیقی از ناامنی روانی و افق بسته پیشرفت در این شغل است.

درصد مشکلات ذکر شده توسط دست‌فروشان، ذیل محورهای ساختاری، اجتماعی، روانی، اقتصادی و جسمانی نیز قابل تبیین است<sup>۱</sup>:

نشانگر منطق انحصار بازار و شکست سیستم پشتیبانی از سرمایه‌های انسانی است که با نظریه بورديو نیز قابل تبیین است؛ چرا که این افراد به دلیل فقدان سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی ناچار به دست‌فروشی می‌شوند و از دسترسی برابر به میدان هنر یا میادین دیگر مربوط به علاقه‌شان محروم می‌شوند.

در عین حال، تعداد محدودی نیز رضایت نسبی خود را از دست‌فروشی ابراز کرده‌اند و حتی آن را برای ساعات کاری منعطف یا نبود ارباب بالای سر مطلوب دانسته‌اند. این رضایت اما غالباً شخصی و وضعیت‌مند است یعنی برای صرفاً افراد خاصی خوب است و ناشی از برتری ذاتی یا مطلوبیت اجتماعی دست‌فروشی نیست. این دوگانگی مهم است؛ چراکه بیانگر تجربه زیسته‌ای است که با وجود فشار و اضطراب، گاهی به عاملیت، حس کارآمدی و حتی نوعی استقلال نسبی می‌دهد. با این حال، اکثریت روایت‌ها حاکی از رضایت پایین و احساس بی‌اختیاری در انتخاب شغلی است. گونه‌ای از کار اضطراری که نقطه پیوند تحلیل جامعه‌شناسی شهری و اقتصاد سیاسی در مطالعات مشاغل غیررسمی به شمار می‌آید.

### **ابعاد مشکلات دست‌فروشان**

دست‌فروشان، به‌روشنی، با انباشت متوالی چالش‌ها مواجه‌اند که ریشه در ساختارهای اجتماعی، سیاست‌های شهری و عوامل اقتصادی دارد:

### **الف. چالش‌های ساختاری**

شکایات مکرر از نیروهای شهرداری، نیروی انتظامی و اصناف، نشان‌دهنده ساختار تقابل و تعارض میان نظام مدیریت شهری و دست‌فروشان است. از اذیت شهرداری تا مالیات تاییدکننده ناکارآمدی نظام حمایت‌گر در حوزه مشاغل غیررسمی، عدم تخصیص مکان ثابت و فقدان سیاست‌های عادلانه ساماندهی است. احساس نبود جایگاه اجتماعی و شأن اجتماعی نیز اشاره‌ای است به

<sup>۱</sup> تخصیص درصد به این گزارش برای احصاء بهتر مسئله آورده شده است و تنها درباره دست‌فروشان مطالعه شده صادق است.

## ج. مطالبه عدالت اقتصادی و اصلاح ساختار

### قیمت‌گذاری

مکرر خواسته شده که اگر قیمت‌ها ثابت بماند یا بهبود وضعیت اقتصادی و جملاتی از این قبیل که نشان‌دهنده عنصر کلان سیاست‌گذاری اقتصادی در بهبود وضعیت دست‌فروشان است. این خواسته‌ها بازتابی از درک عاملیت و آگاهی اقتصادی دست‌فروشان نسبت به عامل اصلی مشکلات‌شان بوده و حلقه اتصال مطالبه‌گری خرد به تحولات سیاستی کلان است. آگاهی از مشکلات، با داده‌هایی چون سطح سواد حداقلی اکثریت دست‌فروشان در پژوهش بررسی وضعیت جمعیت شناختی دست‌فروشان در مناطق دهگانه کلانشهر تبریز همخوان است.

## مزایا و محدودیت‌های دست‌فروشی؛ بین آزادی

### نسبی و نبود امنیت شغلی

نکته پنهان در روایت‌ها آن است که دست‌فروشی، هرچند در بستر اجبار شکل گرفته، اما برای گروهی، مزایایی دارد که عمدتاً مربوط به استقلال نسبی فرد در مقابل ساختارهای شغلی رسمی می‌شود. وجود آرمانی چون ارباب‌بالای سر نبودن، عدم سخت‌گیری کارفرما و انعطاف ساعات کاری از جمله مزایایی هستند که در مقابل آسیب‌های فراگیر اقتصادی و اجتماعی جلوه گر می‌شوند.

در مقابل این مزیت‌ها، اکثریت روایت‌ها بر مزایای خاصی ندارد تأکید کرده‌اند یا حداقل پاسخ دهندگان درباره مزایا سکوت نمودند. این موضوع، حاکی از دیدگاه غالب منفی نسبت به آینده و کیفیت دست‌فروشی است به نحوی که بیشتر مزایا به مثابه شر کمتر و نه شرایط مطلوب تلقی می‌شوند؛ یعنی دست‌فروشی از کار کردن برای دیگران بهتر است، نه آن که خود به قطع مطلوبیت داشته باشد.

## جدول شماره ۱- سهم مشکلات دست‌فروشان برحسب ابعاد آن

نوع مشکل	درصد تقریبی از کل پاسخ‌ها
مشکلات ساختاری و مربوط به شهرداری	۳۹
مشکلات اجتماعی	۱۸
مشکلات روانی	۱۲
مشکلات اقتصادی	۲۴
مشکلات جسمانی	۷

## راهکارهای کاهش مشکلات؛ تعامل ساختار و

### عاملیت از منظر خود دست‌فروشان

یکی از برجسته‌ترین الگوهای پنهان در داده‌ها، نگاه عملگرای دست‌فروشان به راهکارها و مطالبه‌گری از ساختار مدیریت شهری است. پیشنهادها عمدتاً حول محور تخصیص مکان ثابت، بهبود زیرساخت مثل روشنایی، حمایت اقتصادی، بیمه و ساماندهی مشکلات با اصناف و شهرداری می‌چرخد.

### الف. مکان ثابت و ساماندهی

درخواست مکرر دست‌فروشان برای اختصاص مکان ثابت و مناسب و نه در جای پرت، بیانگر یک مطالبه عادلانه است؛ مخصوصاً اینکه فقدان مکان ثابت، دست‌فروشان را نه تنها از امنیت شغلی محروم می‌سازد بلکه ناپایداری درآمد و سختی سر و کله زدن با نیروهای شهرداری را شدت می‌بخشد.

### ب. بیمه و پوشش حمایتی

مطالبه بیمه دست‌فروشان و حمایت از معلولان بیانگر نیاز به رسمیت شناخته شدن شغلی و رفع شکاف امنیت رفاهی در این بخش بازار کار است. نگاه مهارت‌آموزی، ایجاد اشتغال و توانمندسازی نیز الگوی امید به ارتقای اجتماعی و اقتصادی است که برخلاف تجربه زیسته دشوار، افقی برای تحول اشتغال شهری می‌گشاید.

اگرچه زیاد تکرار نمی‌شود، اما می‌تواند پیشران تحول اجتماعی باشد.

### الگوی وزن چشمگیر مشکلات ساختاری و شهرداری

درصد بالایی حدود ۳۹٪ از کل داده‌ها، بر نقش منفی شهرداری، فقدان سیاست ساماندهی و مشکل مکان تاکید دارند. این محور پررنگ‌ترین سد امنیت شغلی و روانی دست‌فروشان تلقی می‌شود.

### الگوی عدم تعادل میان مزایا و معایب

تعداد پاسخ‌های مثبت درباره مزایا یا احساس رضایت قابل مقایسه با حجم گلاویه‌ها و مشکل‌آفرینی‌ها نیست؛ این تضاد نه تنها به وضعیت دست‌فروشی بلکه به تصویر کلی اشتغال غیررسمی در ذهن جامعه شهری اشاره دارد.

### الگوی سلامت و رفاه مغفول مانده

اشاره‌های کمتر اما معنادار به مشکل جسمانی، کار با معلولیت و نبود بیمه بازتابی از نیاز عاجل به سیاست‌های رفاهی در حوزه سلامت دارد. اشاره‌های کمتر نیز به دلیل نیاز کمتر دست‌فروشان به خدمات پزشکی است چرا که در پژوهش بررسی وضعیت جمعیت شناختی دست‌فروشان در مناطق دهگانه شهر تبریز، تنها نزدیک به ۹ درصد دست‌فروشان خود را بیمار توصیف کرده‌اند.

### جمع‌بندی و پیشران‌های بالقوه تغییر

دست‌فروشی در تبریز را، با توجه به روایت‌های زیسته مشارکت‌کنندگان، باید با رویکردی جامع و چندبعدی تحلیل کرد. شبکه‌ای از مشکلات ساختاری و کلان اقتصادی، همراه با آسیب‌های اجتماعی و روانی، کیفیت زندگی دست‌فروشان را تهدید می‌کند. درعین حال، ظهور الگوهای پنهان مطالبه‌گری، عاملیت و امید به ارتقای اجتماعی بیانگر این واقعیت است که تحول پایدار در حوزه دست‌فروشی، جز با سیاست‌های کلان ساماندهی، حمایت اجتماعی-اقتصادی، بهبود تصویر اجتماعی و افزایش امنیت شغلی محقق نخواهد شد.

### الگوهای پنهان؛ تحلیل روایت‌ها و تبیین روندها

با تحلیل روایت‌ها و تکرار شمار واژگان کلیدی اجبار، رضایت، شهرداری، مکان، بیمه، درآمد، شان اجتماعی چند الگوی پنهان قابل شناسایی است:

### الگوی اضطراب و ناراضیاتی

تقریباً تمامی مشارکت‌کنندگان، دست‌فروشی را شغل با درآمد کم و بدون آینده توصیف کرده‌اند. این امر نشان‌دهنده آسیب سیستمی خرده مشاغل غیر رسمی در ساختار اقتصادی شهری است که فرصت انتخاب و امنیت شغلی را از بخش بزرگی از اقشار شهری ربوده است.

### الگوی مطالبه‌گری اصلاح ساختار

اکثر راهکارها، با تکیه بر مطالبه عملی مانند مکان ثابت، بیمه، ساماندهی، نشان‌دهنده ادراک جمعی نسبت به این نکته است که فقط با اصلاح ساختارهای شهری و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان می‌توان کیفیت زیست و امنیت شغلی دست‌فروشان را ارتقا داد.

### الگوی شکاف اجتماعی روانی

احساس نبود شان اجتماعی، نگاه منفی مردم و رفتار نامناسب مشتریان، سبب تضعیف انگیزه و امید به آینده شده است؛ شکافی میان تصویر ذهنی شهروندان و دست‌فروشان نسبت به شغل خود که پیامدهای اجتماعی و روان‌شناختی عمیقی دارد. جایگاه اجتماعی دست‌فروشان، نه تنها در اقتصاد، بلکه در فرآیندهای شکل‌گیری هویت شهری دچار بحران است و گسترش حاشیه‌نشینی روانی و اجتماعی را در پی دارد.

### الگوی عاملیت و امید به ارتقاء

پیشنهادهایی چون مهارت‌آموزی برای جوانان، رسیدگی به وضعیت معلولان و «هر کسی در تخصص خود فرصت شغلی داشته باشد» نشان‌دهنده وجود امید پنهان برای تغییر وضعیت و ارتقای کیفیت زندگی آنان است؛ عاملی که،

نمونه پاسخ و کلیدواژه‌ها	درصد تقریبی از کل داده	محور پاسخ
آزادی نسبی، خدمت به مردم، بهتر از شاغل بودن برای دیگران	۱۳	مزایا (فارغ از اجبار)
ندارد، مزایای دیگری ندارد	۱۷	ذکر ندارد (فاقد مزایا یا راهکار)
اگر اقتصاد درست شود، افق مثبت	۹	امید به تغییر

### تحلیل جامعه‌شناختی داده‌ها

#### دست‌فروشی به منابه برش عینی از اقتصاد غیررسمی

##### شهری

اگر دست‌فروشی تبریز را فقط شغل در حاشیه در نظر بگیریم، از درک سازوکارهای عمیق‌تری که این پدیده را در دل ساختار شهری معاصر بازتولید می‌کنند محروم می‌شویم. در ادبیات اقتصاد غیررسمی، از دهه ۱۹۷۰ به بعد، دست‌فروشی به عنوان اقتصاد آخرین پناهگاه توصیف شده است اما داده‌های روایتی دست‌فروشان تبریز تصویر پیچیده‌تری ارائه می‌دهد. در این روایت‌ها، دست‌فروشی محصول هم‌زمان فشار ساختارهای کلان اقتصادی و الگوی خاص سازمان‌یابی فضای شهری است و این در جایی است که مرز میان شغل و تلاش برای بقا مدام جابه‌جا می‌شود.

در بسیاری از پاسخ‌ها، فقدان سرمایه اولیه، نبود دسترسی به بازار رسمی کار و ناکارآمدی سازوکارهای حمایتی همانند بیمه، تسهیلات و حمایت‌های رفاهی به طور مستقیم و غیرمستقیم حضور دارد. در پرتو نظریه بوردیو، می‌توان نشان داد که دست‌فروشان در موقعیتی قرار دارند که ترکیب سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آنان اجازه ورود پایدار به میدان‌های رسمی اشتغال را نمی‌دهد. آن هنرمندی که به دلیل کمبود سرمایه به دست‌فروشی روی آورده است، نمونه‌ای روشن است. فردی با حدی از سرمایه

مجموع روایت‌ها نشان می‌دهد که دست‌فروشی، در شهر تبریز و بستر جامعه شهری ایران، نه فقط یک راه‌حل اضطراری برای بقا بلکه میدان چالش، مطالبه‌گری، تعارض و در عین حال امکان تحول است. آینده دست‌فروشان را باید نه فقط در ستون‌های آمار رسمی، بلکه در صدای زیسته‌ای که مطالبه‌ای برای عدالت، امنیت شغلی و ارتقاء اجتماعی را فریاد می‌زند، جست‌وجو کرد. پیشران‌های بالقوه تغییر دقیقاً در همین مطالبه‌گری نهفته است و مسیر آینده به آن بستگی دارد که سیاست‌گذاران شهری و ملی چگونه نسبت به این صدای جمعی واکنش نشان خواهند داد.

#### جدول ۲ - توصیف پاسخ دست‌فروشان براساس مضامین اصلی

محور پاسخ	درصد تقریبی از کل داده	نمونه پاسخ و کلیدواژه‌ها
اجبار و ناگزیری	۳۰	از سر اجبار، چاره‌ای ندارم، شغل محسوب نمی‌شود
رضایت نسبی	۹	رضایت دارم، برای ساعات کاری خوب است
شغل و درآمد مناسب	۱۷	از درآمد راضی‌ام، کار خوبی است
بی‌ثباتی و عدم امنیت	۱۳	آینده ندارد، امیدی نیست»، بیمه ندارم
مشکلات ساختاری و شهری	۳۹	اذیت شهرداری، نبود مکان، تعطیلی شنبه، مکان ثابت نداریم
مشکلات اقتصادی	۱۷	تغییر قیمت، درآمد کم، کفاف نمی‌دهد
مشکلات اجتماعی و روانی	۳۰	شان اجتماعی ندارد، استرس، رفتار نامناسب مشتری، نگیزه نداریم
مشکلات جسمی و سلامت	۱۳	کار با معلولیت، بیماری، سختی جسمانی
مطالبه ساماندهی	۳۵	مکان ثابت، بیمه، مهارت‌آموزی، ساماندهی دست‌فروشان

این دوگانه، اگر با نگاه سطحی خوانده شود، به تناقضی ساده تقلیل می‌یابد. اما در یک خوانش جامعه‌شناختی عمیق‌تر، می‌توان آن را به عنوان شکل خاصی از عاملیت محصور درک کرد. دست‌فروش تبریزی، در بستر ساختارهای محدودکننده کلان، فضای بسیار محدودی برای انتخاب دارد ولی در همین فضای محدود، تلاش می‌کند نوعی سوژه‌گی برای خود حفظ کند.

در سطح روانی و هویتی، این عاملیت محصور، نوعی تعادل شکننده می‌سازد. از یک سو فرد می‌داند که در شغلی بدون آینده روشن، بدون بیمه و بدون شان اجتماعی تثبیت‌شده قرار گرفته است و از سوی دیگر، نمی‌خواهد خود را صرف قربانی بداند. تاکید بر بهتر از بیکاری است دقیقاً در این نقطه شکل می‌گیرد.

### **انگ، شان اجتماعی و حاشیه‌نشینی نمادین؛ خوانش گافمنی از دست‌فروشی**

یکی از محورهای پررنگ در روایت‌ها، احساس نبود منزلت اجتماعی، نگاه تحقیرآمیز بخشی از مشتریان و رفتار نامناسب برخی مغازه‌داران است. این تجربه‌ها را می‌توان با نظریه داغ ننگ گافمن بازخوانی کرد. در چشم‌انداز گافمن، انگ اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که یک ویژگی، فرد را از انسان عادی به فردی کم‌ارزش‌تر در نگاه دیگران تبدیل کند. برای دست‌فروش، این انگ نه به خود فرد به عنوان شخص، بلکه به نقش اجتماعی او چسبیده است. دست‌فروش بودن به عنوان برجستگی که حامل مجموعه‌ای از کلیشه‌ها همچون مزاحم، سد راه، غیرقانونی، غیرقابل اعتماد، شغل کاذب و... است.

نتیجه این فرآیند انگ‌زنی، نوعی حاشیه‌نشینی نمادین است؛ دست‌فروش در دل شهر و مقابل چشم همه کار می‌کند اما هم‌زمان در لایه‌های نمادین و ارزشی شهر، به حاشیه رانده می‌شود. این حاشیه‌نشینی نمادین آثار روانی مشخصی چون استرس دائمی، احساس شرمندگی در قبال

اما با سرمایه اقتصادی پایین، بدون شبکه‌های حمایتی و بدون امکان تبدیل مهارت خود به سرمایه اقتصادی در بازار به‌شدت رقابتی و تنظیم‌نشده دست و پا می‌زند. این وضعیت، در سطح ساختاری، بازتاب نوعی انسداد میدان است یعنی میدان‌های رسمی کار و فرهنگ، با قواعدی که دارند، بخشی از نیروهای بالقوه خود را به بیرون پرت می‌کنند و این نیروها در حاشیه میدان شهری به صورت دست‌فروشی رسوب می‌کنند.

به این معنا، دست‌فروشی تبریز را می‌توان به مثابه یکی از نقاط تبلور دوگانه مرکز-حاشیه در اقتصاد شهری فهمید. مرکز، بازار رسمی کار، مشاغل ثبت‌شده، اصناف دارای مجوز و شبکه‌های تثبیت‌شده مبادله است و حاشیه، خرده‌معاش‌های غیررسمی است که در لبه‌های خیابان، بازار و پاساژ، خود را جا داده‌اند. این حاشیه، نه بیرون از شهر، بلکه در متن شهر، بر روی پیاده‌رو، کنار مغازه‌ها، در میدان‌ها و جلوی دید همه است. همین حضور در متن اما غیبت در رسمیت است که دست‌فروشی را به پدیده‌ای مهم در فهم اقتصاد غیررسمی تبریز تبدیل کرده است.

### **دوگانه اضطرار و رضایت نسبی؛ از ساختارهای اجبار تا افق‌های محدود عاملیت**

آنچه در روایت‌ها تکرار می‌شود، تجربه‌ای است که روی محور اجبار-رضایت نوسان دارد. بسیاری از دست‌فروشان، ورودشان به این کار را محصول ناگزیری و نبودن گزینه‌های دیگر توصیف می‌کنند. از منظر اقتصاد سیاسی، این نوع ورود را می‌توان با مفهوم اشتغال اضطراری توضیح داد که بر اساس انتخاب مثبت نیست بلکه بر اساس فشارهای ساختاری و فقدان بدیل شکل می‌گیرد اما در دل همین وضعیت، عناصری از رضایت نسبی هم دیده می‌شود که بیشتر حول استقلال نسبی، منعطف بودن ساعت کار و نبودن ارباب بالای سر می‌چرخد.

سوژه‌ای است که بدنش در میدان قدرت شهری بارها تنظیم، منتقل و تحدید می‌شود.

برای دست‌فروشی که با معلولیت یا بیماری فعالیت می‌کند، این وضعیت چند برابر سنگین‌تر است. نبود بیمه و حمایت‌های درمانی باعث می‌شود هر بیماری بالقوه به بحران معیشتی بدل شود. اینجا نوعی دوگانه رنج مضاعف شکل می‌گیرد که از یک سو، بدن در اثر کار فرساینده در خیابان آسیب می‌بیند و از سوی دیگر، نبود حمایت‌های رفاهی، امکان بازیابی این بدن را کاهش می‌دهد. این ترکیب، دست‌فروش را در چرخه‌ای می‌گذارد که می‌توان آن را چرخه فرسایش بی‌بازگشت نامید.

### **مدیریت شهری، نظم فضا و منطق؛ دست‌فروشی در پرتو**

#### **تولید فضای شهری**

فراوانی اشاره به اذیت شهرداری، فرار از مامور و نگرانی از جمع کردن بساط نشان می‌دهد که رابطه دست‌فروشان با مدیریت شهری رابطه‌ای تنش‌آلود است. برای فهم این رابطه، مفاهیم مربوط به تولید فضا و نظم شهری بسیار راهگشاست. در بسیاری از شهرها، سیاست‌های مدیریت شهری، فضاهای عمومی را به سمت نظم‌یابی انضباطی و تجاری‌شده هدایت می‌کنند که در آن پیاده‌رو، میدان و محورهای اصلی شهر به عنوان ویتترین شهر دیده می‌شود که باید از هر گونه بی‌نظمی پاکسازی شود.

در این چشم‌انداز، دست‌فروش به عنوان اختلال ظاهر می‌شود و بساط او، بدن او و مشتریانی که دور او جمع می‌شوند، از منظر طرح‌های شهری، نوعی بی‌نظمی فضایی محسوب می‌شوند. نتیجه این نگاه، سیاست ساماندهی از طریق جمع‌آوری است اما روایت‌های دست‌فروشان تبریز نشان می‌دهد که این ساماندهی، از منظر آنان بیشتر به سامان‌زدایی می‌ماند. به جای آنکه ساختاری نسبتاً پایدار برای فعالیت‌شان فراهم شود، آنان را در وضعیت دائمی ناامنی مکانی و زمانی رها کرده است.

خانواده، ترس از دیده شدن توسط آشنایان و فرسایش اعتماد به نفس دارد. وقتی دست‌فروشان از این می‌گویند که کارشان شغل حساب نمی‌شود این نوع گزاره‌ها فراتر از گزارش وضعیت، اعلام نوعی تجربه زیسته حقارت هستند که در فرایند روزمره تعامل با مشتریان، مغازه‌داران و ماموران شهرداری مدام بازتولید می‌شود.

نکته مهم این است که انگ دست‌فروشی در تبریز، تنها محصول مواجهه چهره‌به‌چهره نیست. این انگ در گفتار عمومی، رسانه‌ها و حتی زبان روزمره نیز قابل ردیابی است. این زبان، سرمایه نمادین دست‌فروشان را تضعیف می‌کند و به تدریج خود آنان نیز این تصویر را درونی می‌کنند.

### **بدن، فضا و روزمرگی؛ دست‌فروشی به عنوان کار بر**

#### **بدن در فضای عمومی**

روایت‌های مربوط به سرما، باران، ایستادن طولانی و... دست‌فروشی را قابل فهم‌تر می‌کند اگر آن را به عنوان شکل خاصی از کار بر بدن در فضای عمومی ببینیم. بخش مهمی از مشاغل رسمی در فضای سرپوشیده، کنترل‌شده و امن انجام می‌شود اما دست‌فروش، بدن خود را مستقیماً در معرض آب‌وهوا، آلودگی، سروصدا و فرسایش فیزیکی قرار می‌دهد. اینجا نه تنها مسئله سلامت جسمی، بلکه مسئله سیاست بدن در شهر مطرح است.

شهر، بدن‌های مختلف را به شکل متفاوتی به رسمیت می‌شناسد. بدن کارکنان رسمی فروشگاه‌ها، در فضای تجاری سازمان‌یافته، با گرمایش و سرمایش و حفاظ، درون مرزهای شغل رسمی قرار می‌گیرد در مقابل، بدن دست‌فروش، بیرون این مرزهاست. او حق ندارد سایبان دائمی نصب کند، حق ندارد دکه ثابتی بسازد و حتی از حق حضور پایدار در یک نقطه مطمئن نیز برخوردار نیست. مواجهه دائم با ماموران شهرداری، در واقع مواجهه با قدرتی است که بر بدن اعمال می‌شود. جابه‌جایی اجباری، جمع کردن بساط، ضبط وسایل و... در این سطح، دست‌فروش

دست‌فروش، توان چانه‌زنی قیمتی محدود دارد. او نه می‌تواند مانند تولیدکننده قیمت را بالا بکشد، نه مانند تاجر عمده با تغییر شبکه‌های تامین، بخشی از خسارت را جبران کند. در مواجهه با مشتری، اگر قیمت را بالا ببرد، ریسک از دست دادن فروش را دارد و اگر پایین نگه دارد، خودش زیان می‌بیند. این وضعیت، او را در موقعیت فشار دوگانه قرار می‌دهد که از بالا، فشار تورم و افزایش قیمت خرید به او وارد می‌شود و از پایین، فشار قدرت خرید محدود مشتری او را راحت نمی‌گذارد. نتیجه، درآمدی ناچیز و پیش‌بینی‌ناپذیر است.

این ناامنی اقتصادی، با نبود بیمه و حمایت‌های رفاهی ترکیب می‌شود و شکل خاصی از زندگی لبه‌ای می‌سازد. این مفهوم یعنی زندگی روی لبه‌ای که در آن هر بیماری، هر جمع‌آوری بساط، هر تغییر ناگهانی در قیمت‌ها و هر تغییر کوچک دیگری می‌تواند تعادل شکننده معیشت را فرو بریزد. در چنین شرایطی، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت از بین می‌رود و حتی برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت نیز پرریسک می‌شود. دست‌فروش در این متن، بیشتر در حالت واکنش زندگی می‌کند تا برنامه‌ریزی چراکه دائماً واکنش به قیمت امروز، شرایط بازار امروز، وضعیت برخورد شهرداری امروز و ... دارد و افق بلندمدتی مشاهده نمی‌شود.

با این حال، در همین روایت‌ها، نوعی آگاهی اقتصادی نیز قابل تشخیص است. درخواست برای بهبود کلی وضعیت اقتصادی و حمایت‌های هدفمند نشان می‌دهد که این گروه، مسئله خود را تنها در سطح خرد نمی‌بینند و افق‌های کلان را نیز به دقت زیر نظر دارند.

### **افق نظری و آینده دست‌فروشی میان بازتولید حاشیه و امکان تغییر**

اگر دست‌فروشی تبریز را در چارچوبی گسترده‌تر قرار دهیم، می‌توان آن را یکی از میدان‌های اصلی کشاکش میان بازتولید حاشیه و امکان تغییر دانست. از یک سو،

در سطح نظری، می‌توان گفت دست‌فروش، در نقطه تلاقی دو منطق فضایی قرار گرفته است. منطق حق به شهر یعنی حق استفاده از فضاهای عمومی برای امرار معاش و منطق نمایش شهر یعنی تمایل مدیریت شهری به ساختن تصویر شهری پاک، منظم و عاری از عناصر ناخوانده. این دو منطق، در عمل به برخورد روزمره مامور و دست‌فروش ترجمه می‌شود. وقتی دست‌فروشی از ترس دائمی سخن می‌گوید، بخشی از آن مستقیماً به این مواجهه مربوط است که بدن، بساط و هویت شغلی او را هم‌زمان هدف قرار می‌دهد.

در این میان، مطالبه اصلی دست‌فروشان یعنی وجود مکان ثابت، اما نه در جای پرت نشانه‌ای از تلاش آنان برای بازتعریف رابطه‌شان با فضای شهری است. آن‌ها فقط و فقط مکان نمی‌خواهند بلکه مکان با معنای اجتماعی و اقتصادی آن را می‌خواهند یعنی جایی که هم به جریان مشتری دسترسی داشته باشند و هم از امنیت نسبی در برابر جمع‌آوری ناگهانی برخوردار باشند. این مطالبه، در سطح مفهومی، مطالبه برای مشارکت در مذاکره بر سر فضا است و این مذاکره‌ای است که تا امروز عمدتاً یک‌طرفه و از بالا به پایین بوده است.

### **اقتصاد سیاسی ناامنی: تورم، بی‌ثباتی قیمت‌ها و شکنندگی معیشت**

در روایت‌ها، تکرار مداوم عباراتی مثل درآمد کم نشانه حضور یک محور مهم دیگر به اسم ناامنی اقتصادی است. دست‌فروشی در تبریز - همانند همه شهرهای دیگر ایران که درگیر مشکلات اقتصادی است - در بستر اقتصادی رخ می‌دهد که در آن تورم، نوسانات شدید قیمت و نبود سیاست‌های حمایتی پایدار، بخش بزرگی از اقشار شهری را تحت فشار قرار داده است. دست‌فروش، در این وضعیت، در پایین‌ترین لایه زنجیره قرار دارد.

### کار بست مدیریتی

علاوه بر راهکارهایی که خود دست‌فروشان برای بهبود شرایط خود ارائه داده‌اند، با توجه به تجارب دیگر کشورها، چند پیشنهاد دیگر برای مدیریت شهری نیز ارائه می‌شود. با توجه به اینکه کار ثبت اطلاعات دست‌فروشان در سامانه مخصوص شهرداری در حال انجام است، گام بعدی مدیریت شهری باید بر راهکارهای اجرایی، انعطاف‌پذیر و مبتنی بر شواهد متمرکز شود تا ضمن حفظ کرامت شغلی دست‌فروشان، تعارض منافع را کاهش داده و ظرفیت‌های اقتصادی آنان را به رسمیت بشناسد.

### جانمایی منعطف، چندسطحی و شبکه‌ای دست‌فروشان

- سازوکارهای کلاسیک بازارچه‌های ثابت، به واسطه محدودیت‌های فضایی، ناکارآمدی و عدم پوشش نیازهای واقعی، پاسخگوی ساختار پیچیده دست‌فروشی نیستند.
- جانمایی‌های منعطف در نقاط کلیدی شهری تعریف شود. این فضاها با ایستگاه‌ها یا استندهای پرتابل، به تناسب ساعات اوج تردد، فعالیت و شکل بازار توزیع شوند؛ به گونه‌ای که دست‌فروشان بتوانند براساس ظرفیت تقاضا و ضرورت معیشتی، جایگاه خود را انتخاب کنند.
- سیستم مدیریت این جانمایی‌ها با ابزارهای دیجیتال موقعیت‌یاب تکمیل شود تا امکان ردیابی، تخصیص منصفانه و مدیریت ترافیک انسانی فراهم گردد.
- تعاملات میان دست‌فروشان و مدیریت شهری و اصناف از طریق اتاق‌های مذاکره مجازی تسهیل شود؛ هدف آن است که پرونده تعارضات صنفی به سرعت و مشارکتی حل شود و گروه‌ها بتوانند حداقل‌امکان به هم کمک کنند.

ساختارهای اقتصادی و شهری، با منطق‌های فعلی‌شان، چون بیکاری، نبود بیمه، تورم، انسداد میدان‌های رسمی کار و سیاست‌های حذف‌محور در مدیریت فضا، دست‌فروشی را مدام بازتولید می‌کنند که همه اشکالی از فشار ساختاری‌اند که فرد را به لبه شهر و به بساط دست‌فروشی هدایت می‌کنند. این نیروها، اگر تغییری نکنند، دست‌فروشی را به وضعیت پایدار حاشیه‌ای تبدیل خواهند کرد که در آن نسل‌های متوالی، با تفاوت‌هایی اندک، تجربه مشابهی از ناامنی، انگ و فرسایش را از سر می‌گذرانند.

در سطح نظری، دست‌فروشی تبریز را می‌توان یکی از نقاط گره‌ای میان جامعه‌شناسی شهری، اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی کار دانست. این پدیده، در دل خود، حامل پرسش‌هایی درباره عدالت فضایی، حق به شهر، رابطه میان رسمی و غیررسمی، مرزهای شغل و بقا و نسبت میان انگ اجتماعی و هویت شغلی است. هر سیاستی که بدون درک این لایه‌ها بخواهد صرفاً از منظر مدیریت مزاحمت به دست‌فروشی نگاه کند، در بهترین حالت، مسائل را موقتاً جابه‌جا می‌کند، نه حل.

آینده دست‌فروشی در تبریز، تا حد زیادی به این بستگی دارد که شهر چه نوع معماری فراغت و اشتغالی را برمی‌گزیند. شهری که در آن تنها مشاغل رسمی، فروشگاه‌های بزرگ و فضاهای کاملاً کنترل‌شده تجاری به رسمیت شناخته شوند، ناگزیر دست‌فروش را یا به حاشیه‌های دورتر می‌راند یا او را در وضعیت مستمر تعقیب و گریز نگه می‌دارد. در مقابل، شهری که در آن عرصه عمومی به معنای واقعی کلمه برای گروه‌های متنوع از جمله دست‌فروشان طراحی شود، می‌تواند از انرژی و خلاقیت همین گروه‌ها برای پویایی اقتصاد خرد شهری استفاده کند به شرطی که عدالت، حمایت و مشارکت را در مرکز سیاست‌گذاری قرار دهد.

### بسته توانمندسازی چندوجهی و حمایت رفاهی هدفمند

دست‌فروشان تبریزی نیازمند فراتر رفتن از حمایت‌های حداقلی و بی‌برنامه هستند:

- آموزش‌های فصلی در زمینه عرضه کالا، اصول برخورد حرفه‌ای، بهداشت محل کسب و ایجاد ارتباط با مشتری، تا دست‌فروشان تبدیل به بخش مولد و قابل اعتماد شهری شوند.
- ارائه اعتبار خرد مشروط به ارزیابی عملکرد و مشارکت در برنامه‌های شهری؛ به این ترتیب، نظام اعتباری می‌تواند از سیکل شکست اقتصادی آنان جلوگیری کند.
- پیگیری منزلت شغلی و افزایش احترام عمومی از طریق کمپین‌های رسانه‌ای شهری و جشنواره‌های سالانه، که وجهه اجتماعی دست‌فروشی را ارتقا دهد. این جشنواره‌ها یا رویدادها ظرفیت گردشگری شهر تبریز را نیز دگرگون خواهد کرد. در بعضی کشورها بازارهای مناسبی و رویدادهای خیابانی برای دست‌فروشان کاملاً سازماندهی شده‌اند و نه تنها به تامین معاش بلکه به توسعه گردشگری، تعاملات اجتماعی و ارتقای هویت شهری کمک می‌کنند. در تبریز، اختصاص فضاهای فرهنگی متناسب با مناسبت‌ها، اعیاد و رویدادهای محلی برای فعالیت دست‌فروشان و هنرمندان با طراحی رویدادهای مشترکی چون غرفه‌های صنایع دستی و موسیقی خیابانی می‌تواند ضمن ساماندهی منصفانه، هویت شهری و اجتماعی این قشر را ارتقا دهد.



در بستر تشدید بحران‌های اقتصادی در سال‌های اخیر، دست‌فروشی به عنوان یکی از اجزای اصلی ساختار اشتغال شهری، به‌ویژه در شهرهای بزرگی چون تهران، مشهد و تبریز، مورد توجه قرار گرفته است. هدف گزارش میدانی حاضر، واکاوی روایت‌های دست‌فروشان تبریز با توجه به مشکلات، مزایا و راهکارها با رویکردی جامعه‌شناختی و مضمون‌یابی ۵۷ پاسخ از دست‌فروشان بوده است. زمینه تحقیق مبتنی بر افزایش نقش مشاغل غیررسمی و پیامدهای سیاست‌های حمایتی ناکارآمد در حوزه شهری است که مضاف بر فشار بیکاری، تورم، نبود بیمه و فقدان جایگاه اجتماعی، شهروندان را به سمت شغل‌های جایگزین سوق می‌دهد و در این جایگاه جدید نیز مشکلات بازتولید می‌شود. یافته‌ها در چهار محور اصلی نگاه به دست‌فروشی، مشکلات، راهکارها و مزایای دست‌فروشی نشان می‌دهد اکثریت پاسخ‌گویان، تجربه دست‌فروشی را در تلاقی دوگانگی اجبار اقتصادی و رضایت نسبی تحلیل می‌کنند؛ چنان‌که فشار ساختارهای کلان و نبود حمایت‌های شهری، بار عمده مشکلات آنان را شکل می‌دهد که از جمله مشکلات می‌توان به عدم ساماندهی شدن، فقدان شان اجتماعی، رفتار نامناسب مغازه‌داران و خریداران، استرس، عدم داشتن بیمه و ... اشاره کرد. راهکارهای پیشنهادی نیز مبتنی بر مطالبه ساختارمند ساماندهی، تخصیص مکان ثابت و حمایت‌های بیمه‌ای است. نتیجه نهایی بیانگر آن است که تحول پایدار وضعیت دست‌فروشان، تنها از مسیر اصلاح سیاست‌گذاری‌های شهری، بازتعریف حمایت‌های رفاهی و نه طرد این پدیده اجتماعی، امکان‌پذیر خواهد بود.

نظر رسمی	اظهاری نظر رسمی مرکز در موارد ارجاعی از طرف شورای اسلامی شهر یا شهرداری تبریز
دیدگاه	دیدگاه مرکز در موارد جاری شهری و نقد عملکرد و فعالیت‌های شهرداری و سایر دستگاه‌های اجرایی
گزارش تخصصی	گزارش تخصصی مستخرج از کمیته‌ها، گروه‌های کانونی یا نشست‌ها
انتقال دانش	ارسال مطالب گزیده شده یا چکیده مطالب و گزارش‌های سایر مراکز پژوهشی یا نشست‌های خارج از مرکز
یادداشت	اظهاری نظر کارشناسی توسط افراد خبره که لزوماً مورد تأیید مرکز نیست
انعکاس	تبیین پیشنهاد، انتظار یا مطالبه کارشناسی یا مردمی
خلاصه مدیریت	خلاصه مدیریتی طرح‌های مطالعاتی انجام شده در مرکز
افکارسنجی	گزارش مستخرج از افکارسنجی عمومی یا موردی
داده‌کاو	گزارش تولید شده با استفاده از ظرفیت‌های هوش مصنوعی
تجربه مدیریت	گزارش تجربیات حوزه مدیریت شهری سایر شهرهای داخل و خارج کشور یا گزارش تجربه‌نگاری مدیریت شهری
پرسمان	بیان مسئله یا طرح سؤالاتی در خصوص مسائل جاری شهر از مدیریت شهری و درخواست پاسخگویی
شناخت شهر	گزارش شناخت وضع موجود در قالب متن نقشه یا اینفوگرافی
اسناد مرکز	آیین‌نامه‌ها، فرم‌ها، دفترچه‌های راهنما و سایر مستندات مربوط به شیوه فعالیت مرکز

با توجه به هزینه‌های زیست‌محیطی استفاده از کاغذ متن کلیه اسناد، گزارش‌ها و طرح‌های پژوهشی تهیه شده در مرکز به نشانی: [rctabriz.ir](http://rctabriz.ir) قابل دسترسی است.